

پیام غدیر

وصیتی که هرگز به آن عمل نشد
و
حقی که برای همیشه ضایع گشت

ولتر^۱، فیلسوف شهیر فرانسوی (۱۶۹۴-۱۷۷۸) گوید:
«آخرین ارادهٔ محمد انجام نشد؛ او علی را به
جانشینی خود منصوب کرده بود»^۲.

پیامبر بزرگ اسلام پس از قریب بیست و سه سال تلاش سخت و
توانفرسا در راه انجام وظایف رسالت، اینک از ملکوت اعلیٰ ندای «ارجعی»
می شنود؛ درحالی که هنوز پیامش جهانگیر نگردیده است و «مدینه ای» را که
براساس اصول و تعالیم اسلام و یکتاپرستی بنا نهاده است، در معرض هجوم
دشمنان می بیند؛ دشمنانی که سینه هاشان از کینهٔ این مکتب الهی نویناد و
بنیانگذار آن می جوشد تا بهر نحو که ممکن باشد آن بنا را بر سر اهلش
و یران سازند و امتیازات جاهلی از دست رفته را دوباره تجدید نمایند.

۱. حماسهٔ غدیر: ص ۳۰.

2. La dernière volonté de Mahomet ne fut point exécutée. Il avait nommé Ali.
Oeuvres complètes. Vol. XI, p. 209 (Louis Maland)

این نگرانی از مدتها پیش به قلب پیامبر جنگ می زد و او را نسبت به آینده مکتب و پیروان آن پریشان می داشت. او برای تداوم اسلام و اداره امور مسلمانان، به امر حق پسر عم خود علی را که از کودکی در دامان پرورده بود در نظر داشت و به همین جهت و علی رغم میل این و آن، در هر مناسبتی موضوع جانشینی او را به امت گوشزد کرده بود. لیکن دیگر در این اواخر تهدید مخالفان و داعیه داران نسبت به پیامبر رنگ جدی تری به خود گرفته و خاطر او را دچار دغدغه شدید ساخته بود.

پیامبر در واپسین هفته های زندگیش دستور داد تا مسلمانان برای انجام عبادت حج آماده سفر گردند تا در کنار رهبر و رهنمای خود، راه و رسم این عبادت بزرگ را یک بار و برای همیشه بیاموزند، و برای تحقق این امر پیشاپیش قریب یکصد و بیست هزار و یا به قولی هفتاد هزار^۳ نفر از پیروان راهی آن سفر شد و آنچه از مناسک حج که باید به آنان بیاموزد، آموخت و آنچه باید به آنها بگوید، گفت. اما به اظهار خود او در طول انجام مناسک، از سوی حق تعالی فرمان یافت که یک بار دیگر و در حضور کلیه مسلمانان حاضر، رسمی تر و قاطع تر از هر بار علی را به خلافت و امامت تعیین کند؛ اما همان نگرانی قلبش را می فشرد:

اکنون مناسک حج پایان یافته است و پیامبر به قصد مراجعت به مدینه پس از وداع آخرین با خانه خدا و شهری که در و دیوارش نه، که هر ریگ بیابانش خاطره ای از او دارد، همراه کاروان انبوه مسلمانان به راه افتاد. روز هیجدهم ذی الحجه به بیابان جُحُفَه^۴ رسیدند؛ آنجا که کاروانیان — هر دسته و هر قبیله — راه دیار خود می گرفتند و از دیگر همسفران جدا می شدند. در همین بیابان بود که فرشته امین وحی در گوش پیامبر پیام خدا را باز گفت که:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ...^۵

۳. احتجاج طبرسی: ج ۱، ص ۵۶.

۴. جُحُفَه بین راه مکه به مدینه و در چهارمیزی از مکه واقع شده است و تا دریای احمر سه میل فاصله دارد (مراصد الاطلاع: ج ۱، ص ۳۱۵).

۵. مائده: ۶۸.

ای پیامبر! آنچه به تونازل گردید به امت بازسان؛ وگرنه رسالت پروردگارت را انجام نداده‌ای، و خداوند تورا از سر مردم محافظت خواهد کرد...

اینک پیامبر پیامی تهدیدآمیز و قاطع از سوی خداوند متعال دریافت داشته است که اگر در انجام و ابلاغ آن کوتاهی کند، همسنگ آن است که اساساً رسالتی انجام نداده و با این وعده که خدا در مورد حفظ او داده است، دیگر بدون هیچ دغدغه و نگرانی تصمیم گرفت پیام را ابلاغ کند و دستور را به مرحله عمل درآورد. این پیام و دستور چه بود که این همه اهمیت داشت که عدم ابلاغش همسنگ نابودی اساس رسالت بود؟

پیامبر خود لختی دیگر در مورد محتوای این پیام آسمانی توضیح خواهد داد، و به همین منظور به فرمانش رفتگان، بازپس خوانده شدند و واپس ماندگان، فراهم آمدند و در آن بیابان سوزان که جز غار مغیلان نروئیده بود، کاروانیان فرود آمدند و در آبیگری کهن که غدیر خم نام داشت، انجمن کردند.

هوا در لهب خورشید می سوخت و زمین در گرمای نیمروز تفتیده بود؛ تا بدان حد که گروهی از رنج حرارت زمین، جامه‌ها به زیر پای نهاده بودند. هیچ کس نمی دانست که منظور پیامبر از اجتماعی چنین، بویژه در این محل نامساعد و این شرایط نامطلوب چیست. هر کس می خواست راهی به مقصود پیامبر بگشاید...

آری، پیامبر می خواست که برحسب فرمان تهدیدآمیز و قاطع پروردگارش، سرنوشت و مسیر آینده مکتب و امت خود را از بعد خود تعیین کند؛ همان مکتبی که برای آن به شمار هر سر مویش، رنجی جانکاه دیده و بردباری شگفت‌انگیزی تحمل کرده بود.

سهمگین‌ترین و سرنوشت‌سازترین نقطه عطف تاریخ اسلام و حیات معنوی و مادی انسان در آستانه وقوع بود.

پنج ساعت از طلوع خورشید بر آن صحرا می گذشت و آبگیر کهن و تهی با همان وضع طبیعی اش، همچون میدانهای بزرگ نمایش و ورزش و به فراخی وادی، پذیرای آن انبوه انسانها بود. با نزدیک شدن لحظه ابلاغ، سکوتی سنگین بر مرد و زن آن انجمن افتاد و حتی دیگر زنگ و جرس اشتران نیز بی صدا و خاموش گشت.

ناگهان پیامبر گرامی با چهره نورانی و مصمم که از فرط گرما و شاید از گرانی بار رسالت و ابلاغ آن پیام بزرگ افروخته و عرق کرده بود، بر چند پاره سنگ و یا جهاز شتران فراز آمد. دیگر همه مردم که چون نگین پریهای انگشتی گرد او فراهم آمده بودند، سیمای جذاب و خواستنی او را که گذشت قریب به شصت و سه بهار بر آن سایه افکنده بود، دیدند و با این دیدار، خستگی راه و گرمای طاقت سوز خورشید را یکسره از یاد بردند.

اکنون نه تنها کاروانیان، که همه هستی، گوش سپرده بود تا گفتار رهبر و مخلوق برتر و در حقیقت پیام آسمانها را بشنود.

از ماجرای آن روز غدیر که به سال دهم هجری و با حضور آن گروه عظیم از مردم جزیره العرب اتفاق افتاد، اکنون بیش از هزار و چهارصد سال گذشته است، اما هنوز آن واقعه همچنان زنده و غیر قابل تردید باقی است و پیام آن روز هنوز در گوش انسانیت طنین خود را حفظ کرده است؛ چرا که آن ماجرا، تنها داستان آن روز و آن پیام، پیام آن روزگار نبود؛ بلکه در حقیقت طرح مدینه فاضله‌ای بود که «اگر تشکیل یافته و رئیس آن مدینه در خانه‌اش زندانی نشده بود، عمل به اسلام اصیل ادامه می‌یافت و با پیگیری روش پیامبر و گسترش فریادهای قرآن و عادت کردن و تربیت شدن نسلهائی چند، راه تاریخ تصحیح می‌گشت و آنهمه مردول مسلط که به دست اسلام کوبیده شده بود، دوباره جان نمی‌یافت و مسیر انسان به تعالی و تعالیمی که باید، می‌افتاد»^۶، و به روایت خود اهل سنت پیامبر فرمود:

وَإِنْ وَلَّيْتُمُوهَا عَلَيَّ وَجَدْتُكُمْ هَادِيًا مَهْدِيًا يَسْلُكُ بِكُمْ عَلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ

اگر خلافت اسلام را به علی بسپارید، رهبری خواهید داشت راه شناخته که همی راهسیر صراط مستقیمتان بدارد.^۷

و امروز که ما از آن یاد می‌کنیم، نه به منظور دشنام دادن به این و آن است، بلکه بحقیقت، ابراز تأسفی است بزرگ، به بزرگی انقراض این نسل از آدم که از عدم اجرای پیام آن روز «غدیر»، بشریت را می‌گدازد. سخن، تنها از حق همیشه ضایع شده علی نیست، بلکه تذکر خیانتی است «به عمق

۶. حماسه غدیر: ص ۲۵.

۷. تاریخ بغداد، حافظ ابوبکر خطیب بغدادی: ج ۱، ص ۴۷ (به نقل از حماسه غدیر: ص ۲۵).

تاریخ و گستردگی زمان و وسعت دامنه حق در همه کائنات زندگی. و به دیگر سخن: مصدوم کردن حق است در طبیعت همه اشیاء، و خشکانیدن سرچشمه آب حیات است در همه پهنه های زیست عینی و ذهنی انسان».^۸

بهر حال ماجرای غدیر و خطابه ای که پیامبر گرامی اسلام در آن روز بر مسلمانان القاء فرمود، به تواتر نقل گردیده، بلکه کثرت طرق روایت چند برابر حد تواتر بوده است و با گذشت چندین قرن، هنوز قطعی است و تردید را به حریم آن راهی نیست و به گفته ضیاء الدین مقبلی سنی مذهب: «اگر حدیث غدیر مسلم نباشد، هیچ امر مسلمی در اسلام وجود ندارد».^۹

در میان اهل سنت صدها دانشمند و مورخ و حافظ حدیث و مفسر قرآن و متکلم و حتی ادیب و لغوی، حدیث غدیر را روایت کرده و در کتب خود نوشته اند.

از مؤلفان و دانشمندان متقدم — تا آنجا که به دست آمده — بیست و شش کتاب است که اختصاص به همین مسأله دارد و از آن جمله است:

کتاب الولایه نگارش مورخ شهیر و مفسر کبیر سنی مذهب، محمد بن جریر طبری (متوفی ۳۱۰ هـ.) که ظاهراً نخستین دانشمندی است که در این موضوع، کتابی مستقل تألیف کرده و در آن به هفتاد و پنج طریق، حدیث غدیر را روایت نموده است و به نقل معجم الادباء تألیف حموی: ج ۱۸، ص ۸۰، کتابی دیگر به نام فضائل علی بن ابیطالب نگاشته است.

کتاب الولایه فی طرق حدیث الغدیر تألیف حافظ بن عقده همدانی (متوفی ۳۳۳ هـ.) که حدیث مزبور را به یکصد و پنج طریق نقل کرده است.^{۱۰}

کتاب طریق حدیث الغدیر تألیف ابوطالب عبدالله بن احمد بن زید انباری (متوفی ۳۵۶ هـ.)^{۱۱}

کتاب ابوبکر محمد بن عمرو بن محمد تمیمی بغدادی معروف به جعابی

۸. حماسه غدیر: ص ۲۵.

۹. الغدیر: ج ۱، فصل الکلمات حول سند الحدیث.

۱۰. تهذیب النبوه: ج ۷، ص ۳۳۷.

۱۱. نجاشی: ص ۱۶۱.

Alt. 1171: 21, 20 131-151.

11. 11. 1921. 21. 10. 1921-1921.

۱۸۴۱۵
 ۱۸۴۱۶
 ۱۸۴۱۷
 ۱۸۴۱۸
 ۱۸۴۱۹
 ۱۸۴۲۰
 ۱۸۴۲۱
 ۱۸۴۲۲
 ۱۸۴۲۳
 ۱۸۴۲۴
 ۱۸۴۲۵
 ۱۸۴۲۶
 ۱۸۴۲۷
 ۱۸۴۲۸
 ۱۸۴۲۹
 ۱۸۴۳۰
 ۱۸۴۳۱
 ۱۸۴۳۲
 ۱۸۴۳۳
 ۱۸۴۳۴
 ۱۸۴۳۵
 ۱۸۴۳۶
 ۱۸۴۳۷
 ۱۸۴۳۸
 ۱۸۴۳۹
 ۱۸۴۴۰
 ۱۸۴۴۱
 ۱۸۴۴۲
 ۱۸۴۴۳
 ۱۸۴۴۴
 ۱۸۴۴۵
 ۱۸۴۴۶
 ۱۸۴۴۷
 ۱۸۴۴۸
 ۱۸۴۴۹
 ۱۸۴۵۰
 ۱۸۴۵۱
 ۱۸۴۵۲
 ۱۸۴۵۳
 ۱۸۴۵۴
 ۱۸۴۵۵
 ۱۸۴۵۶
 ۱۸۴۵۷
 ۱۸۴۵۸
 ۱۸۴۵۹
 ۱۸۴۶۰
 ۱۸۴۶۱
 ۱۸۴۶۲
 ۱۸۴۶۳
 ۱۸۴۶۴
 ۱۸۴۶۵
 ۱۸۴۶۶
 ۱۸۴۶۷
 ۱۸۴۶۸
 ۱۸۴۶۹
 ۱۸۴۷۰
 ۱۸۴۷۱
 ۱۸۴۷۲
 ۱۸۴۷۳
 ۱۸۴۷۴
 ۱۸۴۷۵
 ۱۸۴۷۶
 ۱۸۴۷۷
 ۱۸۴۷۸
 ۱۸۴۷۹
 ۱۸۴۸۰
 ۱۸۴۸۱
 ۱۸۴۸۲
 ۱۸۴۸۳
 ۱۸۴۸۴
 ۱۸۴۸۵
 ۱۸۴۸۶
 ۱۸۴۸۷
 ۱۸۴۸۸
 ۱۸۴۸۹
 ۱۸۴۹۰
 ۱۸۴۹۱
 ۱۸۴۹۲
 ۱۸۴۹۳
 ۱۸۴۹۴
 ۱۸۴۹۵
 ۱۸۴۹۶
 ۱۸۴۹۷
 ۱۸۴۹۸
 ۱۸۴۹۹
 ۱۸۵۰۰
 ۱۸۵۰۱
 ۱۸۵۰۲
 ۱۸۵۰۳
 ۱۸۵۰۴
 ۱۸۵۰۵
 ۱۸۵۰۶
 ۱۸۵۰۷
 ۱۸۵۰۸
 ۱۸۵۰۹
 ۱۸۵۱۰
 ۱۸۵۱۱
 ۱۸۵۱۲
 ۱۸۵۱۳
 ۱۸۵۱۴
 ۱۸۵۱۵
 ۱۸۵۱۶
 ۱۸۵۱۷
 ۱۸۵۱۸
 ۱۸۵۱۹
 ۱۸۵۲۰
 ۱۸۵۲۱
 ۱۸۵۲۲
 ۱۸۵۲۳
 ۱۸۵۲۴
 ۱۸۵۲۵
 ۱۸۵۲۶
 ۱۸۵۲۷
 ۱۸۵۲۸
 ۱۸۵۲۹
 ۱۸۵۳۰
 ۱۸۵۳۱
 ۱۸۵۳۲
 ۱۸۵۳۳
 ۱۸۵۳۴
 ۱۸۵۳۵
 ۱۸۵۳۶
 ۱۸۵۳۷
 ۱۸۵۳۸
 ۱۸۵۳۹
 ۱۸۵۴۰
 ۱۸۵۴۱
 ۱۸۵۴۲
 ۱۸۵۴۳
 ۱۸۵۴۴
 ۱۸۵۴۵
 ۱۸۵۴۶
 ۱۸۵۴۷
 ۱۸۵۴۸
 ۱۸۵۴۹
 ۱۸۵۵۰
 ۱۸۵۵۱
 ۱۸۵۵۲
 ۱۸۵۵۳
 ۱۸۵۵۴
 ۱۸۵۵۵
 ۱۸۵۵۶
 ۱۸۵۵۷
 ۱۸۵۵۸
 ۱۸۵۵۹
 ۱۸۵۶۰
 ۱۸۵۶۱
 ۱۸۵۶۲
 ۱۸۵۶۳
 ۱۸۵۶۴
 ۱۸۵۶۵
 ۱۸۵۶۶
 ۱۸۵۶۷
 ۱۸۵۶۸
 ۱۸۵۶۹
 ۱۸۵۷۰
 ۱۸۵۷۱
 ۱۸۵۷۲
 ۱۸۵۷۳
 ۱۸۵۷۴
 ۱۸۵۷۵
 ۱۸۵۷۶
 ۱۸۵۷۷
 ۱۸۵۷۸
 ۱۸۵۷۹
 ۱۸۵۸۰
 ۱۸۵۸۱
 ۱۸۵۸۲
 ۱۸۵۸۳
 ۱۸۵۸۴
 ۱۸۵۸۵
 ۱۸۵۸۶
 ۱۸۵۸۷
 ۱۸۵۸۸
 ۱۸۵۸۹
 ۱۸۵۹۰
 ۱۸۵۹۱
 ۱۸۵۹۲
 ۱۸۵۹۳
 ۱۸۵۹۴
 ۱۸۵۹۵
 ۱۸۵۹۶
 ۱۸۵۹۷
 ۱۸۵۹۸
 ۱۸۵۹۹
 ۱۸۶۰۰
 ۱۸۶۰۱
 ۱۸۶۰۲
 ۱۸۶۰۳
 ۱۸۶۰۴
 ۱۸۶۰۵
 ۱۸۶۰۶
 ۱۸۶۰۷
 ۱۸۶۰۸
 ۱۸۶۰۹
 ۱۸۶۱۰
 ۱۸۶۱۱
 ۱۸۶۱۲
 ۱۸۶۱۳
 ۱۸۶۱۴
 ۱۸۶۱۵
 ۱۸۶۱۶
 ۱۸۶۱۷
 ۱۸۶۱۸
 ۱۸۶۱۹
 ۱۸۶۲۰
 ۱۸۶۲۱
 ۱۸۶۲۲
 ۱۸۶۲۳
 ۱۸۶۲۴
 ۱۸۶۲۵
 ۱۸۶۲۶
 ۱۸۶۲۷
 ۱۸۶۲۸
 ۱۸۶۲۹
 ۱۸۶۳۰
 ۱۸۶۳۱
 ۱۸۶۳۲
 ۱۸۶۳۳
 ۱۸۶۳۴
 ۱۸۶۳۵
 ۱۸۶۳۶
 ۱۸۶۳۷
 ۱۸۶۳۸
 ۱۸۶۳۹
 ۱۸۶۴۰
 ۱۸۶۴۱
 ۱۸۶۴۲
 ۱۸۶۴۳
 ۱۸۶۴۴
 ۱۸۶۴۵
 ۱۸۶۴۶
 ۱۸۶۴۷
 ۱۸۶۴۸
 ۱۸۶۴۹
 ۱۸۶۵۰
 ۱۸۶۵۱
 ۱۸۶۵۲
 ۱۸۶۵۳
 ۱۸۶۵۴
 ۱۸۶۵۵
 ۱۸۶۵۶
 ۱۸۶۵۷
 ۱۸۶۵۸
 ۱۸۶۵۹
 ۱۸۶۶۰
 ۱۸۶۶۱
 ۱۸۶۶۲
 ۱۸۶۶۳
 ۱۸۶۶۴
 ۱۸۶۶۵
 ۱۸۶۶۶
 ۱۸۶۶۷
 ۱۸۶۶۸
 ۱۸۶۶۹
 ۱۸۶۷۰
 ۱۸۶۷۱
 ۱۸۶۷۲
 ۱۸۶۷۳
 ۱۸۶۷۴
 ۱۸۶۷۵
 ۱۸۶۷۶
 ۱۸۶۷۷
 ۱۸۶۷۸
 ۱۸۶۷۹
 ۱۸۶۸۰
 ۱۸۶۸۱
 ۱۸۶۸۲
 ۱۸۶۸۳
 ۱۸۶۸۴
 ۱۸۶۸۵
 ۱۸۶۸۶
 ۱۸۶۸۷

جواب:

گذشته از اینها در همین سده و همین روزگار نیز بسیاری از محققان و محدثان و مؤلفان اهل سنت به ذکر روایت حدیث و ثبت آن پرداخته اند، از

يَسْبِقُ يَتَرَكُ لَكَ

در مجموع تاریخ دایرة المعارف ششمه می یوان آن را در پنج گروه تقسیم نمود

کتاب قیم الغدیر ۲۰ مجلد تألیف مرحوم آیت الله العظمیٰ خراسانی

فرزند می باشد.

حاصل چنین تألیف و تالیفات و کتب و جلد دینی است و هشت و نیم

میرزا محمد باقر و محقق و مؤرخ و مستشرقین جلد ده دوازدهم که در دست است به نام پاشا

این زمينه بعمل آمده است: کتاب رستاخیز عقیقۃ الانوار

در متنی از دانشمندان و استادان عالی مقام و افاضیای این کتب و تألیفات پستباری و مستطاب

۱۲ است.

کرده: طریق روایت و پنج و یکصد و بیست و نه (۵۳۵۵) (متوفی)

چنانکه پیش از این اشاره شد، حدیث غدیر در کتب مورخان تا یکصد و بیست و پنج طریق نقل گردیده است که از میان آن راویان، اسامی اشخاص زیر را که از مشهورترین صحابه پیامبرند، نمونه می آوریم: ۱۴

۱. ابوبکر بن ابی قحافه
 ۲. عمر بن الخطاب
 ۳. عثمان بن عفان
 ۴. طلحه بن عبدالله تمیمی
 ۵. زبیر بن عوام
 ۶. عباس بن عبدالمطلب
 ۷. اسامة بن زید بن حارثه
 ۸. انس بن مالک
 ۹. جابر بن عبدالله انصاری
 ۱۰. سعد بن ابی وقاص
 ۱۱. عبدالرحمن بن عوف
 ۱۲. حسان بن ثابت شاعر
 ۱۳. سعد بن عبادہ
 ۱۴. ابویوب انصاری
 ۱۵. عبدالله بن مسعود
 ۱۶. سلمان فارسی
 ۱۷. ابوذر غفاری
 ۱۸. عمار یاسر
 ۱۹. مقداد بن اسود
 ۲۰. سمره بن جندب
 ۲۱. سهل بن حنیف
 ۲۲. ابی بن کعب
 ۲۳. امیرالمؤمنین علی (ع)
 ۲۴. امام حسن مجتبی (ع)
 ۲۵. امام حسین سیدالشهداء (ع)
- و از بانوان:
۲۶. اسماء بنت عمیس

۲۷. ام سلمه همسر پیامبر
 ۲۸. عایشه دختر ابوبکر
 ۲۹. ام هانی بنت ابیطالب
 ۳۰. صدیقه طاهره، زهرا (ع)

حال که ماجرای غدیر و پیام آن از مهمترین وقایع تاریخ اسلام است و اکنون که بیش از یکصد میلیون مسلمان در جهان براساس فرمان حق و وصیت پیامبر، اسلام و معارف آن را از امیرالمؤمنین علی و ائمه طاهرين (ع) تلقی می کنند، دریغ که بسیاری از این پیروان راستین اسلام و تشیع، از پیام غرای پیامبر در غدیر به قدر شایسته آگاه نباشند و یا به سبب ناآشنائی با زبان تازی، از فهم و درک و استفاده از آن خطابه محروم بمانند؛ به همین جهت ترجمه پاریسی آن گرامی سخن براساس متن مروی در کتاب احتجاج طبرسی دانشمند و محقق عظیم الشأن قرن ششم هجری به عمل آمد؛ هرچند که مرا آن مایه نبود که بلاغت و جاذبه و گیرائی را که بر آن خطابه پرتو دارد، در این ترجمه تأمین نمایم ولی

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

ناگفته نگذارم که مراد این کار، منظور همان بود که گفتم؛ وگرنه در سر، نه هوای رهنمودی به گمشده ای داشته ام که «لَئِنْ عَلَّيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ...»^{۱۵} و نه درد اندیشه احقاق حقی نسبت به آن مظلوم تاریخ و آن ولی مطلق، امیرالمؤمنین علی (ع)؛ چرا که با همه خردی و بی خردی، اینقدر دانم که: نه حق را به کار چون منی نیاز است و نه کوشش این بی دست و پا را قدری و منزلتی. تنها به همین شادم که گردی در پی این کاروان باشم که به «او» سوگند، مرا همین افتخار، سرشار می دارد.

و اینک ترجمه پاریسی واپسین پیام رسول گرامی اسلام در وادی «غدیر خم» در واپسین روزهای زندگانش:

ترجمه خطبه

حضرت رسول اکرم (ص)

در روز غدیر خم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خداوند را حمد و ثنا که دریگانگی والا و دریکنائی نزدیک و در اقتدار شکوهمند و در ارکان خویش بسی عظیم است. دانشش همه چیز را احاطه کرده و همه کائنات مقهور قدرت و برهان اویند. بزرگی که پیوسته بوده و ستوده‌ای که همیشه خواهد بود. آفریننده آسمانهای رفیع و گستراننده گسترده‌هاست. زمینها و آسمانها را فرمانروای مطلق او است. به غایت پاک و بی نهایت پاکیزه است. پروردگار فرشتگان و روح و بر هر چه آفریده کریم است و هر چه ساخته و پرداخته غرقه عطا و کرم اویند. هر دیده‌ای را می بیند؛ اما هیچ دیده‌ای را توان دیدار او نیست. کریمی، بردباری و صاحب مرحمتی که مهرش همه را فرا گرفته و منعمی که به نعمتها بر سر همه منت دار است. بر انتقام بزهکاران شتاب نمی کند و به عذابی که درخور آنند تعجیل نمی فرماید. به همه اسرار و به زوایای پنهان و ضمائر همه آگاه است و هیچ نهانی از او پوشیده نیست و هیچ امر مخفی و مستوری او

را به اشتباه نمی افکند. بر همه چیز محیط است و بر همه چیز چیره و در هر چیز نیرومند و بر هر چیز قادر و تواناست. همانندی ندارد و او است پدید آورنده خلق از عدم و آنگاه که هیچ چیز نبوده است. جاودان است و به عدل، پایدار و خدائی جز او نه. ارجمند و حکیم است و برتر و والا تر از آنکه به دیده ها درآید و او است که هر دیده ای را درمی یابد. لطیف است و آگاه. کسی او را ندیده است تا به وصفش پردازد و احدی را از چگونگی پیدا و پنهانش آگاهی نیست، مگر به همان قدر که خود — تبارک و تعالی — بر خویشتن راهنمائی فرموده است.

گواهی می دهم: او خدائی است که همه آفرینش، از طهارت و قدس او پر شده و آغاز بی آغاز و انجام بی فرجام را به نور خود فرا گرفته است؛ آنکه فرمانش را بی مشورت مشاور و مستشاری به اجرا گذارده و او را در تعیین سرنوشتها انبازی نیست و در تدبیر خلقتش هرگز نقص و بی نظمی نه. هر چه را آفریده است، بی آنکه الگوئی در پیش خود نهد، صورت بخشیده و همه خلق را بی مدد و یاری بیافریده است؛ نه در این کار او را رنجی بوده است و نه نیازی به چاره جوئی. آفریدشان، پس وجود یافتند و بساختشان، سپس پیدا و آشکار شدند. او است که خدائی جز او نیست؛ آنکه به صنع خود استواری داد و در مصنوع خویش خوبی و زیبایی نهاد. دادگری که هرگز ستم نمی کند و کریمی که کلیه امور به او بازمی گردد. و گواهی می دهم: او است که همه در برابر قدرتش فروتن و در برابر هیبتش متواضع اند. او است شاه شاهان و فرازنده این چرخ آسمان؛ فرمانروای مهر و ماه، که هریک تا زمانی مقدر و معلوم در کار گردشند؛ آنکه چادر شب به رخسار روز برکشید و شب را به زیر خیمه روز آورد که هر کدام شتابان به جستجوی دیگری است؛ شکننده ستمکاران و جباران و هلاک سازنده شیاطین پلید، که نه او را ضدی است و نه انبازی. مرجع نیاز حاجتمندان او است، که نه نسبت و نسب به دیگری دارد و نه کس را به او نسبت و نسب است و نه احدی همانند و همپایه او. خداوندی یکتا و پروردگاری بزرگوار، که هر چه خواهد کند و بر هر چه که اراده اش تعلق

گیرد، فرمان راند؛ به همه چیز دانا و شمار هر چیز در دست او است. می میراند و زنده می کند؛ نیازمندی می دهد و بی نیاز می سازد؛ می خنداند و به گریه وامی دارد؛ نزدیک می شود و دور می گردد؛ می دهد و نمی دهد. پادشاهی در اختصاص او و ستایش و یثۃ او است. نیکیهها به دست او و بر هر کار تواناست. شب را در روز و روز را در شب فرو می برد، که خدائی جز خداوند نیست؛ آنکه بسیار ارجمند و پربخشاینده است. خواهشها را پاسخ اجابت می دهد و بخشش و عطا فراوان دارد. به شمار نفسها مطلع و پروردگار جن و آدمی است. کاری بر او دشوار نیست و فریاد فریادخواهان به کاری ناچارش نمی سازد. حافظ و نگهبان صالحان و نیکان و توفیق بخش رستگاران او است. بر سرجهانیان، سرور است و چه شایسته که همه آفریدگان بهر حال — چه در خوشی و ناخوشی و چه در شدت و راحت — سپاس او گزارند و ستایش او کنند.

به او و به فریشتگان و فرستادگان و کتب آسمانیش، به همه ایمان دارم و فرمانش را به جان شنوده و نیوشیده ام؛ بهر کار که او را خشنود سازد، شتابنده ام و به قضا و حکمش سر تسلیم دارم. به اطاعت فرمانش مشتاق و از عقوبت و مجازاتش سخت در هراسم، که او است خداوندی که از مکر و خشم وی ایمن نتوان نشست؛ با آنکه از ستمگریش جای هیچ بیم و نگرانی نیست. به بندگی او معترف و به پروردگارش گواهم. آنچه به من وحی فرموده است به مردمان ابلاغ خواهم کرد؛ مباد که به سبب مسامحه در انجام وظایف تبلیغ، کوبه عذاب حق بر من فرود آید؛ عذابی که هیچ قدرتی را توانائی دفع آن نباشد.

[آری،] نیست خدائی جز خداوند که فرمانم داده و فرموده است: «اگر در ابلاغ آنچه اینک به توفرو فرستاده ام کوتاهی کنی، در حقیقت به هیچ یک از وظایف رسالت و ابلاغ پیام خداوند عمل نکرده ای». و همو — تبارک و تعالی — حفظ و نگهداری مرا در برابر مخالفان، تعهد و تضمین کرده و حقاً که او مرا کفایت کننده ای بزرگوار است.

او است که به من وحی فرمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ
فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ. ١٦

ای مردم! من در ابلاغ آنچه که حق بر من فرو فرستاده است، کوتاهی نکرده‌ام و هم اکنون سبب نزول این آیه را به شما بازخواهم گفت: فرشته وحی خدا جبرائیل علیه السلام، سه بار بر من نازل شد و از سوی حق تعالی — پروردگار — فرمانم داد تا در این مکان بپا خیزم و سپید و سیاه مردم را رسماً آگاهی دهم که علی بن ابیطالب برادر و وصی و خلیفه و جانشین من و امام پس از من است، که نسبت او به من، نسبتی است که هارون به موسی داشت؛ با این تفاوت که رسالت و نبوت به من خاتمه یافته است. گذشته از خداوند و پیامبرش، علی، ولی و صاحب اختیار شماست و پیش از اینها نیز خداوند متعال فرمود:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ. ١٧

پروردگار متعال این آیه را در شأن علی فرو فرستاده است. علی بن ابیطالب همان کسی است که نمازپای داشته و در حالت رکوع، به نیازمند، صدقه داده است و او است که در هر حال خدا را منظور نظر می‌دارد.

ای مردم! من از جبرائیل خواستم تا مرا از تبلیغ این رسالت و نصب علی به خلافت و ولایت معاف دارد، چون می‌دانستم که در میان مردم

١٦. مائده: ٦٧:

به نام خداوند بخشنده مهربان. ای پیامبر! آنچه که از سوی پروردگارت نازل شده است به مردم باز رسان و چنانچه نکنی، به هیچ‌یک از وظایف رسالت و تبلیغ پیام حق اقدام ننموده‌ای، و خدایت در برابر مردم محافظت خواهد کرد.

١٧. مائده: ٥٥:

تنها ولی امر و صاحب اختیار شما، خدا و پیامبرش و هم آن کسانی که ایمان آورده و نمازپای داشته و در حالت رکوع به مستمند زکات می‌دهند.

پرهیزگاران، اندک و منافقان، بسیارند و از مفسده جوئی گنه آلودگان و نیرنگ بازی آنان که دین اسلام را به تمسخر گرفته اند، آگاهی داشتم؛ اینها که خداوند در قرآن کریم چنین توصیفشان فرموده است:

وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ.^{۱۸}

هنوز آن آزارها را که این گروه بارها بر من روا داشته اند از خاطر نبرده ام، تا آنجا که به عیب جوئی، مرا گوش و مردی زودباور نام کردند و می پنداشتند که هر چه بگویند، می شنوم و بدون اندیشه می پذیرم؛ تا آنکه خداوند عزوجل این آیه را نازل فرمود:

وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ.^{۱۹}

ای مردم هم اکنون می توانم یک یک این گروه را به نام و نشان معرفی کنم؛ لیکن به خدا سوگند که من در مورد این افراد، بزرگوارانه رفتار کرده و می کنم.

[باری،] خداوند از من نمی پذیرد، جز آنکه وظیفه خود را در مورد آیه شریفه یا أَيُّهَا الرَّسُولُ... انجام دهم. [حال که چنین است] پس بدانید — ای مردم! — که خداوند علی بن ابیطالب را ولی و صاحب اختیار شما معین فرموده و او را امام و پیشوای واجب الاطاعه قرار داده است که فرمانش را بر همه مهاجران و انصار و پیروان ایشان و بر هر بیابانی و شهری و بر هر عجم و عربی و بر هر بنده و آزادی و بر هر صغیر و کبیری و بر هر سیاه و سفیدی و

۱۸. نوب: ۱۵:

به آنچه به زبان می گوئید، به دل اعتراف ندارید و به پندار خویش این امر را سهل و آسان گرفته اید؛ در حالیکه نزد خداوند کاری عظیم است.

۱۹. توبه: ۶۱:

از این مردم کسانی هستند که پیامبر را می آزارند و گویند او گوش است و هر سخن را نااندیشیده باور می کند. به آنان بگو اگر گوش است که به سود و خیر شما می شنود، که به خدا ایمان دارد و سخن مؤمنان را باور می کند.

بر هر خداشناس موحدی فرض و واجب فرموده و اوامر و فرامین او را مطاع و بر همه کس نافذ و لازم الاجراء مقرر داشته است. هر آن کس که با علی به مخالفت برخیزد، ملعون است و هر کس که از او پیروی نماید، مشمول عنایت حق خواهد بود. مؤمن کسی است که به علی ایمان آورد و او را تصدیق کند. مغفرت و مرحمت و بخشایش خداوند، و یثرة کسانی است که سخن او را بنیوشند و فرمان او را مطیع و منقاد باشند.

ای مردم! این آخرین بار است که مرا در این محل دیدار می کنید؛ پس گوش فرا دارید و به سخنانم دل سپارید و دستور پروردگارتان را فرمان برید، که خداوند عزوجل، پروردگار و ولی و صاحب اختیار و خداوندگار شماست و گذشته از او، پیامبرش محمد — همین من که اکنون پیا خاسته ام و با شما سخن می گویم — بر شما سمت ولایت و صاحب اختیاری دارد و پس از من، امامت و پیشوائی تا روز واپسین و تا آن هنگام که به ملاقات حق برسید، در ذریه و نسل من که از پشت و صلب علی هستند، قرار خواهد داشت.

ای مردم! دانشی نیست که خداوند به من مرحمت نکرده باشد و من نیز هر چه تعلیم گرفته ام یکسره در علی، امام المتقین و پیشوای پرهیزگاران و پارسایان نهاده و همه را به وی تعلیم کرده ام و همواست که امام مبین و پیشوای آشکار و تردیدناپذیر شماست.

ای مردم! مباد که نسبت به او راه ضلال و گمراهی پیش گیرید و مباد که از او روی برتابید و مباد که از ولایت و سرپرستی او و اوامر و فرامین او به تکبر و سر باز زنید. او است که هادی به حق و عامل به حق و نابود کننده باطل است؛ شما را از ناپسندیده ها باز می دارد و او است که در راه خدا از سرزنش هیچ کس پروا نمی کند. او نخستین کسی است که به خدا و پیامبرش ایمان آورد و خویشتن را فدای رسول الله نمود و در آن هنگامه ها که هیچ کس در کنار پیامبر باقی نماند، او را رها نکرد و از همراهی وی دست برنداشت و همو بود که در آن زمانها که کسی به کار عبادت خدا نبود، در کنار پیامبر، پروردگار را پرستش می کرد.

ای مردم! باید که او را از همه کس برتر و والا تر بدانید که خدایش از همه والا تر و برتر دانسته است و باید که به ولایت او تمکین کنید؛ زیرا که خدایش به ولایت بر شما منصوب فرموده است.

ای مردم! او امام و پیشوا از جانب حق تعالی است و خداوند توبه منکران ولایت او را هرگز نخواهد پذیرفت و هرگز آنان را مشمول عنایت و مغفرت خویش قرار نخواهد داد. خداوند، خود پیمان نهاده است که با آن کسان که از فرمان علی سرپیچند، چنین رفتار کند و جاودانه تا جهان باقی و روزگار در کار است، ایشان را در شکنجه و عذابی سخت و توانفرسا معذب دارد. پس مباد که فرمائش را معصیت کنید که به آتش گرفتار خواهید شد که آدمیان و سنگ، افزونده آن است و برای کافران فراهم گردیده است.

ای مردم! همه پیامبران پیشین و رسولان نخستین حق، مردم را به آمدن من بشارت داده اند. من خاتم پیامبران و رسولان خدایم و بر همه خلق آسمانها و زمینها حجت و برهانم. هر کس که در این امر تردید کند، همچون کفار جاهلیت نخستین، کافر باشد و هر که در سخنی از سخنان من شک نماید، در حقیقت چنان است که به تمامی سخنان من شک برده است و چنین کسی مستوجب آتش خواهد بود.

ای مردم! خداوند متعال با این فضیلتها که به من مرحمت فرموده، بر من منت نهاده و احسان کرده است. [آری،] خدائی جز او نیست و تا جهان برقرار و روزگار پایدار است، ستایش و سپاس من و یثقه خدای من است.

ای مردم! علی را برترین بدانید که گذشته از من، او از هر مرد و زنی برتر و والا تر است. [بدانید] که بخاطر ماست که خداوند به جهانیان روزی می دهد و آفرینش بر پای و برقرار است؛ هر آن کس که این سخن مرا انکار کند، ملعون و ملعون، و مغضوب و مغضوب درگاه حق است.

هان! آگاه باشید که بیقین این سخنان را جبرائیل از سوی حق تعالی به من خبر داده و آگاهم نموده است که: هر کس با علی به عداوت

بنشینند و مهر او را در دل نگیرند، لعنت و خشم مرا نسبت به خود فراهم کرده است. پس باید هر کس در کار خود بنگرد که برای فردای خود چه آماده نموده است. باید که از مخالفت با علی سخت برحذر باشید؛ مباد که پس از ثابت قدمی، پایتان بلغزد که خداوند به هر چه کنید آگاه است.

ای مردم! علی آن کس است که خدا در کتاب مجید خود با عنوان جَنبِ اللَّهِ از او یاد کرده است و از زبان مبتلایان دوزخ فرماید:

يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ. ۲۰

ای مردم! در قرآن به تدبیر و تفکر نظر کنید و آیات آن را فهم کنید و محکّمات را به خاطر بسپارید و از متشابهات پیروی نکنید، به خدا قسم که بجز این مرد که هم اکنون دست او را گرفته و او را برکشیده ام هرگز دیگری نیست که بتواند فرامین قرآن را برای شما روشن کند و تفسیر آیات آن را بیان دارد؛ همین مردی که اینک بازوی او را گرفته و اعلامتان می کنم که: هر کس را که من مولا و سرپرست و صاحب اختیارم، علی مولا و سرپرست و صاحب اختیار او است. این علی بن ابیطالب است؛ برادر و وصی من است. فرمان دوستی و ولایت او از جانب حق تعالی بر من نازل گردیده است.

ای مردم! علی و آن نسل طیب او ثقل اصغر و قرآن ثقل اکبر است و هریک از دیگری خبر می دهد و هر کدام دیگری را تصدیق و تأیید می کند. میان این دو ثقل، جدائی نخواهد بود تا به قیامت، و در کنار حوض به من رسند. ایشان امنای حق در میان خلق و فرمانروایان او بر روی زمین اند. به هوش باشید که من آنچه بایست می گفتم، گفتم و همه مطلب و مقصود را به گوشتان رساندم. توضیح دادم که این امر، دستور خداوند بود و من نیز از سوی خدای عزّوجلّ به شما ابلاغ نمودم. هشیار باشید که لقب امیرالمؤمنین عنوان کسی جز این برادر من نیست و این سمت و فرمانروائی بر مسلمانان

۲۰. زمر: ۵۶:

و اسفا از تقصیر و کوتاهی که نسبت به «جَنبِ اللَّهِ» ورزیدم.

پس از من بر هیچ کس جزوی روا نخواهد بود.

(رسول خدا صلی الله علیه وآله در این هنگام بازوی علی علیه السلام را گرفت و او را بالا برد و به مردم نشان داد؛ تا آنجا که پاهای وی تا زانوی پیامبر می رسید. پس از آن چنین به سخن ادامه داد:)

ای مردم! این مرد، علی، برادر و وصی من و حافظ علم و خلیفه و جانشین من بر امت من است. علی است مفسر آن کتاب که مردم را به حق می خواند و او است که به هر چه موجب رضای خاطر خداست شتابنده است؛ آن کس که با دشمنان حق در ستیز و پیکار و بر طاعت و فرمانبری از خدا سخت کوش و بازدارنده مردمان از معاصی و نافرمانیها نسبت به پروردگار است. او است خلیفه رسول الله که امیر المؤمنین و فرمانروای مردم بایمان و پیشوای هادی خلق خدا و قاتل «ناکثین» و «قاسطین» و «مارقین» است.

[ای مردم!] آنچه می گویم به فرمان خدا می گویم و این خواست و دستور حق، پروردگار من است. هیچ سخنی از او به دست من تغییر و تبدیل نخواهد پذیرفت.

پروردگارا! هر آن کس که علی را دوست می دارد، دوست بدار و هر که با وی دشمن است، دشمن دار. خداوند! هر کس که علی را انکار کند، لعنت فرما و آن را که پذیرای حق او نباشد، به خشم خود گرفتار ساز. خداوند گارا! اگر اکنون علی، ولی تورا به خلافت خود معین کردم و امری که موجب اکمال دین و اتمام نعمت تو بر این مردم خواهد گردید بیان داشتم، همه و همه به فرمان تو بود که خود به من وحی فرمودی که:

وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ.^{۲۱}

پروردگارا! تورا گواه می گیرم و توبهترین گواه منی که به آنچه وظیفه تبلیغ و رسالت بود عمل کردم.
ای مردم! خداوند عزوجل با امامت و پیشوائی علی دین شما را کامل فرمود؛ پس هر آن کس که از او و از جانشینان او — یعنی فرزندان من

۲۱. آل عمران: ۸۵

و هر کس که دینی جز اسلام برگزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و در آن سرای از زیانکاران است.

از صلب او تا قیامت که جهانیان به خداوند عرضه می گردند در این عالم خواهند زیست — پیروی و اطاعت نکند، به حبط اعمال گرفتار خواهد آمد و از آنها بهره ای نخواهد گرفت و در آتش دوزخ جاودانه خواهد ماند؛ نه دیگر عذابش تخفیف یابد و نه مهلتی به او اعطاء گردد.

ای مردم! این علی است که مرا بیش از هر کس یاری کرده است و از همه بیشتر بر من حق دارد؛ از تمام مردم به من نزدیک تر و از همه کس نزد من محبوب تر و گرامی تر است. خداوند عزوجل و من از او راضی و خشنودیم. آیه ای در قرآن، مشعر به رضایت حق از بندگان نازل نشده، مگر که در شأن «علی» است. آیات سورۀ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ که در توصیف بهشت و بهشتیان فرود آمده است جز در وصف او نیست و دیگری در آن منظور نگردیده و کسی را جز او مدح و ستایش ننموده است. هر زمان که خدا مؤمنان را مخاطب فرموده، نخستین نظر به علی داشته است.

ای مردم! علی ناصر دین خدا و پیامبر خداست؛ او است پاک و پاکیزه و رهنما و ره یافته.

ای مردم! پیامبر شما بهین پیامبر، و وصی و جانشینان او بهین اوصیاء و جانشینانند.

ای مردم! ذریه و نسل هر پیامبری از صلب خود او به جهان آمده ولیکن ذریۀ من از صلب علی است.

ای مردم! شیطان به انگیزه حسادت، آدم را از بهشت بدر آورد؛ پس مباد که نسبت به علی حسد ورزید که اعمالتان یکسره حبط شود و به لغزش و انحراف افتید. آدم صفوت الله تنها به سبب یک معصیت به زمین فرو افتاده شد؛ پس شما باید که مراقب حال خویشتن باشید؛ شما که در میان تنان دشمن خدا نیز هست.

ای مردم! آگاه باشید که جز شقی و ازگون بخت با علی کین نمی ورزد و جز پرهیزگار پارسا مهر علی در دل نمی گیرد و جز مردم مؤمن و مخلصان بی روی و ریا به علی ایمان نخواهند آورد.

ای مردم! به خدا سوگند که سورۀ مبارکۀ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ.

وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا
بِالصَّبْرِ^{۲۲} در شأن علی نازل گردیده است.

ای مردم! خدای را گواه می گیرم که در انجام وظایف رسالت
فروگذار نکردم و بر پیامبر جز ابلاغ پیام حق وظیفه ای دیگر نیست.

ای مردم! نسبت به خداوند آنچنان، که شایسته است پرهیزگار و
پارسا باشید؛ مباد که جز به مسلمانی دیده از جهان فرو بندید.

ای مردم! به خدا و پیامبرش اعتقاد کنید و به نوری که با او نازل
فرموده است ایمان آورید؛ پیش از آنکه خشم خدای شما را فرو گیرد.

ای مردم! این نور از جانب حق تعالی در من نهاده شده و بعد از آن
در علی و آنگاه در نسل او قرار گرفته است تا آنکه نوبت به امام قائم مهدی
رسد و او است که حق خدا و حقوق ما را باز ستاند، که خداوند عزوجل ما
را بر تمام مقصران و دشمنان و مخالفان و خائنان و معصیت کاران و
ستمگران، حجت قرار داده است.

ای مردم! به شما اعلام خطر می کنم [و بدانید] که بحق، من
فرستاده خدا به سوی شما، در این بُرهه از زمان که مدتی گذشته که زمین
از پیامبران تهی بوده است. آیا اکنون اگر من از جهان بروم و یا کشته شوم،
به عقب باز خواهید گشت؟ [ولی بدانید که] هر آن کس که به عقب [و
جاهلیت] باز گردد، زیانی به خداوند نرسانده است؛ لکن خدا سپاسگزاران
را پاداش نیکو مرحمت خواهد فرمود.

[ای مردم!] بدانید علی همان کس است که متّصف و موصوف به
سپاسگزاری و شکیبائی است و پس از وی فرزندان من که از صلب اویند،
دارای این اوصافند.

ای مردم! مباد که مسلمانی خود را بر خداوند منت نهید، که
موجب خشم و غضب پروردگار خواهید گشت و به عذابتان دچار خواهد

۲۲. عصر: ۱-۳.

به نام خداوند بخشنده مهربان. به «عصر» سوگند که آدمیان همه در زیان و خسارند؛ جز آنان که ایمان
آورده و نیکوکار باشند و یکدیگر را به حق و شکیبائی سفارش کنند.

ساخت، که حق در کمین و مراقب است.

ای مردم! چیزی نمی گذرد که پس از من، پیشوایان و سردمدارانی
پدید آیند که مردم را به آتش دوزخ دعوت کنند. اینان به روزرستاخیز،
کسی یار و مددکارشان نخواهد شد.

ای مردم! خدا و پیامبرش از این کسان متنفر و بیزارند.

ای مردم! اینان و پیروان و یارانانشان جمله در پست ترین دوزخ
گرفتار خواهند شد. و چه بد جایگاهی است دوزخ برای این گروه که به
تکبر، اطاعت فرمان حق ننمودند.

ای مردم! من این امر را به عنوان امامت و ارث تا روز قیامت در
دُریه و نسل خود قرار دادم و با این کار، وظیفه خویش را که به آن مأمور
بودم به پایان بردم، تا بر هر حاضر و غایب و بر هر کس که شاهد این
اجتماع بوده و یا در این مجمع، حضور نداشته است و حتی بر آنان که هنوز از
مادر نزاده اند، حجت تمام باشد.

باید که ماجرای این روز را حاضران به غایبان ابلاغ کنند و پدران
به فرزندان تا واپسین روز خبر دهند؛ گرچه می بینم مدتی نمی گذرد که
این امر را عنوان پادشاهی و سلطنت غاصبانۀ خود قرار خواهند داد و بدانید
که خداوند غاصبان و ستمگران را از رحمت خود محروم و مهجور فرموده
است. و در چنین هنگام:

سَتَفْرُغُ لَكُمْ آيَةُ الْفَلَاحِ يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ شَوَاطِيرَ مِنْ نَارٍ وَ نُحَاسٍ فَلَا تَنْتَصِرَانِ^{۲۳}

ای مردم! خداوند متعال، شما را به حال خود رها نخواهد نمود تا
آنکه پاک و پلید از یکدیگر ممتاز گردند، و خدا شما را بر اسرار غیب
آگاهی نداده است.

ای مردم! هیچ شهری و روستائی نیست مگر آنکه خداوند آن

۲۳. رحمن: ۳۰ و ۳۴:

ای گروه انس و جن! بزودی به حساب کار شما خواهیم پرداخت. بر شما شراره نای آتش و مس
گداخته فرو خواهد بارید.

آبادیها را به سبب تکذیب ساکنانش نسبت به حق و یران کرده و مردم آن سامان را هلاک نموده است و خود فرماید که: «شهریان و روستائیان ستمکار را به سرنوشت هلاک مبتلا خواهیم ساخت».

ای مردم! این علی است؛ امام و پیشوای شما و ولی و صاحب اختیار شما که حق تعالی در مورد او وعده‌ها داده است و خداوند وعده خود را تحقق خواهد بخشید.

ای مردم! پیش از شما مردمان نخستین اغلب به گمراهی درافتادند و خدایشان به هلاکت در انداخت و هموست هلاک کننده گروههایی که از این پس آیند و پروردگار فرماید:

أَلَمْ نَهْلِكِ إِلَّا وَلِينَ ثُمَّ نُنْصِيَهُمُ الْآخِرِينَ كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ وَبَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۲۴.

ای مردم! خداوند مرا به اموری امر و از پاره‌ای نهی فرموده است و من نیز علی را به آنها امر و نهی کرده‌ام؛ در حقیقت او اوامر و نواهی حق را از پروردگار خود اخذ نموده است. پس گوش به فرمان او بدارید تا از خطرهای به سلامت برهید، و از دستورش سر می‌پیچید تا به راه هدایت رفته باشید، و از آنچه که نهی می‌کند دوری کنید تا به طریق رشاد نائل آئید و خویشان را به گونه‌ای که پسند و خواست او است، باز سازید و مباد که راههای دیگر، شما را از پیمودن طریق او بازدارد و پراکنده سازد.

ای مردم! این منم صراط مستقیم خداوند که به پیروی از آن مأمور شده‌اید و پس از من علی و سپس فرزندانم که از صلب و پشت اویند، امامان و پیشوایان شمایند که خلق را به راه راست هدایت می‌کنند و پیوسته روبه سوی حق دارند.

۲۴. مرسلات: ۱۶ تا ۱۹:

آیا مردمان نخستین را هلاک نساختم و به دنبال آنان گروههای بعدی را نیز به هلاکت نکشیدیم؟ [آری،] اینچنین با مجرمان رفتار خواهیم کرد و در این هنگام وای بر آن کسان که دین و فرمان خدا را تکذیب کرده و دروغ شمرده‌اند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ - الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - مَا لِكَ يَوْمَ
الَّذِينَ - إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ - اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ - صِرَاطَ الَّذِينَ
أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ. ٢٥

ای مردم! این سوره مبارکه در شأن من و علی و فرزندانش فرود
آمده و شامل ما و هم مخصوص به ماست. اینان اولیای خدایند که نه ترسی
در دل دارند و نه اندوهی آزارشان می کند.
هان! آگاه باشید که: حزب خدا پیروز است. و بدانید که:
دشمنان علی گروهی اهل شقاق و نفاق و کینه ورزانی متجاوز و برادران
شیاطین اند که به منظور فریب مردم، سخنان بی مغز و رنگ آمیخته به
یکدیگر باز می رسانند. به هوش باشید که: مهرورزان به علی و فرزندانش،
جمع مؤمنانی هستند که خداوند در کتاب خود، از آنان چنین یاد فرموده
است:

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا
آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ
وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. ٢٦

٢٥. حمد: ١-٧:

به نام خداوند بخشنده مهربان. ستایش خدای پروردگار جهانیان راست، نیک بخشنده و بخشناخته است،
خداوند روز جزاست، ترا می پرستیم و از تو یاری می جوئیم و بس، ما را به راه راست راه نما، راه آنان که
به ایشان نعمت دادی، نه راه آنها که بر ایشان خشم گرفتی و نه راه گمراهان.

٢٦. مجادله: ٢٢:

نخواهی یافت گروهی را که به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده اند، دوستدار کسانی باشند که به خدا و
پیامبرش کینه می ورزند؛ گرچه این کسان، پدران یا پسران یا برادران و یا خویشاوندانشان باشند. این گروه
کسانی هستند که خدا در قلبهایشان، خط ایمان نوشته و با روح خود کمک و تأییدشان فرموده است و در
باغستانهای بهشت جایشان خواهد داد که در آنها جویباران روان است و جاودانه در آنجا خواهند زیست.
خداوند از این کسان خشنود و اینان نیز از خدای خود خشنودند. این گروه، حزب خدایند، و بدانید که حزب
خدا همان رستگارانند.

و باز در توصیف ایشان فرمود:

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ.^{۲۷}

[آری]، چنین کسان در امن و امان به بهشت داخل می شوند و فرشتگان با فروتنی سلامشان دهند و گویند: پاک و پاکیزه اید شما، پس در بهشت جاودانه مأوا گیرید.^{۲۸}
و نیز خداوند در مورد این گروه فرماید:

يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ.^{۲۹}

آگاه باشید که: دشمنان و مخالفان علی و فرزندان او به دوزخ گرفتار خواهند شد و بانگ و شیهه جهنم را که می جوشد و می خروشد و آوازی که از سوخت و سوز آن برمی خیزد، می شنوند. هر زمان که دسته ای از این کسان به دوزخ افکنده شوند، گروه دیگر گرفتار را نفرین و لعنت فرستند. خداوند متعال درباره این کینه ورزان معاند فرماید:

كُلَّمَا أَلْقَىٰ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ؟ قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ.^{۳۰}

دوستان علی و فرزندان او مؤمن به غیب اند و به غیب از پروردگار خود در خشیت و هراسند. این گروه را اجر و پاداشی عظیم خواهد بود. ای مردم! من مُنذِر و ترساننده ام و علی هادی و راهنماست.

۲۷. انعام: ۸۲:

کسانی که ایمان آورده و آن را به ستم نیالوده اند، امان و سلامت از آن چنین کسان است.

۲۸. شاید نظر رسول خدا (ص) در ذکر این جمله ها این آیه مبارکه بوده است:

... عَمَلِي إِذَا جَاءَهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ (زمر: ۷۲)

۲۹. غافر: ۴۰:

این کسان بدون محاسبه وارد بهشت خواهند گشت.

۳۰. ملک: ۸:

هر زمان که گروهی به آتش افکنده شوند، موکلان پیروانشان که: مگر ترساننده ای [که اعلام خطر تان کند] برای شما فرستاده نشد؟ گویند: چرا، فرستاده و منذر [از سوی پروردگار] نزد ما آمد، لیکن او را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند چیزی فرو نفرستاده است و شما جز به راه گمراهی آشکار نمی روید.

ای مردم! من رسول خداوندگارم و این علی وصی من است. بدانید که آخرین امام ما همان امام قائم مهدی (ع) است. او است ناصر دین خدا و انتقام گیرنده از ستمکاران و گشاینده دژهای استوار و ویرانگر قلاع مستحکم. او است گشنده طوایف مشرک و ستاننده کین و انتقام گیرنده خون اولیای خدا. او است حامی دین و او است جرعه نوش دریای ژرف معانی و او است که هر صاحب فضیلت را و هر نادان بی فضل را به ملاک حق و حقیقت شناخته و می شناساند. او است برگزیده حضرت باری تعالی و او است وارث همه دانشها که بر هر علمی محیط و خبر دهنده از پروردگار و از مراتب ایمان است. او است رشید و رهسپار صراط مستقیم که امر خلق به او واگذار شده و او است که امامان پیشین هریک به ظهور وی بشارتها داده اند. او است حجت پایدار حق که پس از او حجتی دیگر نیست. حق نیست که با او نیست و نوری نه که در او نباشد. هیچ کس را بر او چیرگی نیست و کسی را در برابر او پیروزی نخواهد بود. او است ولی خدا در روی زمین که فرمانش در خلق جهان نافذ است. او است امین پیدا و پنهان خداوند متعال.

ای مردم! [به هوش باشید] که چگونه این امر را توضیح دادم و تفهیمتان کردم و این علی است که پس از من تعلیم و تفهیم شما را به عهده خواهد داشت.

اینک از شما دعوت می کنم که پس از پایان این سخن، به نشانه قبول بیعت با علی نخست با من دست بیعت دهید و سپس با خود او میثاق خویش استوار نمائید. بدانید که من به خدا بیعت سپرده ام و علی با من بیعت کرده است و من اکنون از جانب حق تعالی از شما می خواهم که با علی بیعت کنید و [بدانید] هر آن کس که بیعت خود بشکند، به زیان خود اقدام کرده است.

ای مردم! صفا و مروه از جمله شعائر الهی هستند، هر آنکه حج می گزارد و یا به عمره می پردازد، با کی نیست که طواف این دو مکان کند و هر آن کس که عمل خیری انجام دهد، خداوند [نسبت به او] سپاسگزار و

دانا است.

ای مردم! باید که حج بیت الله بگذارید، که هیچ خاندانی به آن خانه وارد نشود، مگر آنکه بی نیاز خواهد گشت و هیچ خاندانی از این عبادت رخ نتابیده، مگر آنکه به فقر و نیازمندی افتاده است. ای مردم، مؤمنی نیست که در آن موقف کریم بایستد، جز آنکه خداوند از معاصی گذشته او چشم پوشد.

ای مردم! زائران خانه خدا [از سوی خدا] مدد و نصرت گیرند و هزینه سفرشان اندوخته واپسین روز آنان خواهد شد، که خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نخواهد فرمود.

ای مردم! خانه خدا را با دین کامل و با دقت و فهم درست زیارت کنید، مباد آنکه بدون توبه و ندامت از معاصی گذشته خود، از آن مشاهد و مواقف بازگردید.

ای مردم! اقامه نماز و اعطای زکات باید که طبق دستور پروردگار و به همان روش که او فرمان داده است بعمل آید، و اگر گذشت زمان مسائل و معارف دین را از خاطرها ببرد و به دست فراموشی سپارد، این علی ولی و سرپرست شما و او است مبین آن معارف که تعلیم و تفهیم شما به عهده او است. علی همان کس که خداوند او را پس از من برای شما معین فرموده است، و هم امامانی که خدا از من به جهان آورد، پاسخگوی پرسشهای شما خواهند بود و بر آنچه نمی دانید آگاهتان خواهند ساخت.

ای مردم! حلال و حرام خدا زیاده از آن است که بتوانم در یک مجلس آنها را شماره و معرفی کنم؛ به همین سبب فرمان یافته ام که از شما بیعت بگیرم و دست پیمان بفشارم که آنچه از سوی حق تعالی درباره امیرالمؤمنین علی آورده ام، بپذیرید و همچنین در مورد امامانی که از نسل من و علی به جهان آیند، و مهدی، قائم ایشان قاضی و دادرس بحق تا واپسین روز خواهد بود.

ای مردم! هر عمل حلال که راهنمائی تان کرده ام و هر حرامی که نهی تان نموده ام، تغییر پذیر نیست و از دستور خود باز نمی گردم و به حکمی

دیگر تبدیل نخواهم کرد. این را به خاطر بسپارید و از یاد مبرید و به دیگران نیز آن را یادآور گردید و مباد که احکام مرا دیگرگون سازید.

من سخن خود را مجدداً تأکید می‌کنم که: نماز را بپای دارید و زکات بدهید. امر به معروف و نهی از منکرات کنید؛ ولی بدانید که سرآغاز هر امر به معروف و نهی از منکری پذیرش سخن و دستور من است و اینکه گفتار مرا به آن کسان که در این جمع حاضر نبودند، ابلاغ کنید و به اطاعت از اوامر من و ادارشان سازید و از مخالفت با سخنان من بازداران دارید؛ زیرا که این امر، امر خداوند عزوجل و گفتار من است، و در حقیقت بدون امام معصوم و بی معرفت او، امر به معروف و نهی از منکر امکان‌پذیر نخواهد بود.

ای مردم! این قرآن است که امامان پس از علی را از فرزندان و از نسل او معرفی نموده و فرماید: وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ.^{۳۱} و من نیز پیش از این یادآور تان شدم که: آنان از من و من از آنانم و تا آن هنگام که دست تمسک به دامن این دو امر سنگین و گرانقدر [یعنی کتاب الله و عترت و خاندان من] زده‌اید، هرگز به گمراهی و ضلالت مبتلا نخواهید گشت. ای مردم! تقوی؛ تقوی پیشه خود کنید و از روز قیامت بیندیشید که خداوند متعال فرمود:

إِنَّ زُلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ.^{۳۲}

ای مردم! به مرگ خود اندیشه کنید و حساب و میزان در پیشگاه پروردگار را از خاطر مبرید و امر ثواب و عقاب را به دست فراموشی مسپارید، که هر کس نیکی کند، ثواب و پاداش آن را خواهد یافت و آن کس که دامن به ناشایسته آلود، نصیبی از بهشت نخواهد برد. ای مردم! شما را شماره از آن حد بیش است که بتوانید همگی تان

۳۱. زخرف: ۲۹:

خداوند [گوهر امامت] را در نسل او دائم و پایدار قرار داده است.

۳۲. حج: ۲:

لرزش زمین در روز قیامت، حقاً که امری بزرگ و سهمگین است.

یکجا با من دست بیعت دهید؛ با آنکه از سوی حق تعالی مأمورم که از زبان هریک از شما اعتراف گیرم که سمت فرمانروائی و امارت بر مؤمنان را که برای علی قرار داده‌ام، پذیرفته‌اید و نیز دستور است که از شما در مورد قبول امامت و ولایت امامانی که از نسل من و پشت علی می‌باشند، اقرار و بیعت ستانم. پس، همگان یکسره به اعتراف بگوئید: «ای رسول خدا! آنچه که در مورد ولایت و رهبری مطلق علی و امامان پس از وی که از صلب اویند، از جانب حق تعالی به ما ابلاغ کردی پذیرفتیم و مطیع و به این امر خشنودیم. اینک ما به دل و جان و به دست و زبان، نسبت به قبول ولایت، با تو بیعت نمودیم و پیمان می‌بندیم که در زندگی و مرگ و تا آن روز که سرز خاک برداریم، فرمان تو را دگرگون نسازیم و در آن شک و تردید نکنیم و از سر پیمان برنخیزیم و از خدا و رسولش و از امیرالمؤمنین علی و فرزندانش حسن و حسین و امامان دیگر از صلب علی فرمان بریم».

ای مردم! نسبت به مقام و منزلتی که حسن و حسین نزد خدا و رسول او دارند، گوشزدتان کرده و ابلاغ نموده و متوجهتان ساخته‌ام که این دو تن سرور جوانان بهشتند و پس از من که جدّ ایشانم و بعد از علی، سمت امامت خواهند یافت.

[ای مردم!] بگوئید که: «در این امر مطیع خدا و پیامبرش و علی و حسنین و امامان پس از ایشانیم تو [ای رسول خدا!] از جان و دل و دست و زبان ما، در مورد ولایت امیرالمؤمنین بیعت گرفتی و پیمان نهادیم که دیگری را به جای ایشان برنگزینیم و دل و جان ما به جانب دیگری روی ننماید. ما خدا را گواه می‌گیریم — و چه گواهی والا تر از حق تعالی؟ — که امر ولایت را به ما ابلاغ کردی و تونیز [ای پیامبر خدا!] و همچنین همه مطیعان فرمان حق که حاضر و یا غایبند و فرشتگان و سپاهیان و همه بندگان خدا گواه و شاهد این امرید و پروردگار از هر گواهی برتر و بزرگتر است».

ای مردم! چه می‌گوئید؟ آخر خداوند متعال هر آوازی را می‌شنود و از سیر و پنهان همه کس آگاه است. آن کس که به راه هدایت رود، به سود

خود رفته و آنکه به گمراهی گراید، تنها به زیان خویشتن اقدام کرده است. هر کس که بیعت کند، در حقیقت با خداوند عزوجل بیعت کرده است؛ چرا که دست حق والا ترین دستها و توانائی و قدرتش از همه افزون تر است.

ای مردم! از خدا بترسید و پرهیزگار باشید و با امیرالمؤمنین علی و حسنین و با امامان دیگر که کلمه طیبه باقیه اند، پیمان وفاداری استوار کنید. هر کس در این امر به غدر و مکر پردازد، خدایش به هلاکت افکند و آن کس که بر عهد خود بیاید، خدایش رحمت فرماید. آری، ناکثین و آنان که پیمان بشکنند تنها به زیان خویشتن آن را شکسته اند.

ای مردم! آنچه گفتمتان بازگوئید و بر علی به عنوان رسمی امیرالمؤمنین سلام دهید و اظهار دارید که: «پروردگارا! شنیدیم و فرمان بردیم، تا از مرحمت و غفرانت بهره مند شویم که بازگشت همگان به سوی تو است».

ای مردم! بگوئید: «خدای را سپاس و ستایش که به این امر هدایت و دلائمان فرمود و چنانچه او راهنمائی مان نمی کرد، ما خود به راه نمی آمدیم».

ای مردم! فضائل علی بن ابیطالب و منزلت او نزد خداوندگار که در قرآن کریم از آنها یاد شده بیش از آن است که در یک جلسه برای شما بازشمارم؛ پس هر کس از مناقب علی نزد شما حدیثی گوید، از او بپذیرید.

ای مردم! آن کس که از خدا و رسولش و از علی و امامان و پیشوایانی که یادآورتان گردیدم، فرمان برد، به رستگاری عظیم نائل آمده است.

ای مردم! رستگاران کسانی هستند که در بیعت با علی و پذیرش ولایت او و در القای سلام بروی بسمت امیرالمؤمنین پیشدستی و سبقت جویند؛ چنین مردمان در بهشت نعمتها متنعم خواهند بود.

ای مردم! سخنی که موجب رضای خاطر خداوند است، بر زبان

آورید و [بدانید که] اگر شما و آن کسان که در زمین می‌زیند همه کافر
گردند، خدای را هرگز یانی نخواهد رسید.
پروردگارا! مردان و زنان با ایمان را پیامرز و کافران را به غضب
خویش گرفتار فرما و ستایش و سپاس، خداوند، پروردگار جهانیان راست.